

وارسی فقهی و حقوقی واقعه ازدواج سفید در رژیم حقوقی ایران

الهه سادات حسینی*

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه ومبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران.

elaheasadathosseni00@gmail.com

چکیده

اصطلاح ازدواج سفید یکی از پدیده های نوظهوریست که چندیست با آن روبرو میشویم. از آنجاییکه حقوق متغیری وابسته به واقعیات اجتماعی میباشد و امروزه ازدواج سفید بعنوان یک واقعیت در جامعه است و نمی توان منکر عدم وجود آن شد نیاز به بررسی دارد. از جمله معضلات اخیر مطرح شده در حوزه حقوق خانواده، تهدید نهاد خانواده به واسطه پدیده ازدواج سفید است که خود، معلول عللی از جمله مشکلات اقتصادی، بالا رفتن سن ازدواج، مسئولیت گریزی و هزینه های ازدواج رسمی است. در این تحقیق که به روش توصیفی- تحلیلی تهیه و تنظیم گردیده است، با بررسی منابع فقهی و حقوقی حوزه حقوق خانواده به بررسی مقوله ازدواج، ارکان و الزامات آن پرداخته و تلاش شده است تا آن شرایط و قواعد را با ازدواج سفید تطبیق کند تا روشن شود که آیا ازدواج سفید به عنوان یک پدیده اجتماعی، از منظر حقوقی و شرعی نیز قابل پذیرش باشد یا خیر، لذا سوال اصلی این تحقیق حول این محور است که ازدواج سفید از نظر فقهی و حقوقی دارای چه وضعیتی است؟ یافته ها و نتایج تحقیق بیانگر این است که از منظر شرع و فقهها و به تبع آن، از نظر حقوقی، ازدواج سفید امری مذموم، غیرشرعی و غیرقانونی است که حتی از نظر حقوق کیفری نیز جرم انگاری شده است، از نظر ابعاد حقوقی این پدیده سبب افزایش خشونت علیه زنان، ایجاد فرزندان بدون هویت، سقط جنین، تهدید نظام خانواده و غیره شده است و از نظر فقهی و شرعی نیز ادله مطروحه توسط فقهها و حقوقدانان در خصوص ازدواج سفید مانند آیات قرآن، روایات، اجماع، فقدان لزوم اذن ولی، عدم رعایت تشریفات نکاح مانند جاری شدن صیغه، عدم ایجاب، عدم قبول، فقدان قصد و مانند آن، منتهی به ارائه نظریه بطلان این نوع از ازدواج گردیده است که به تبع آن، در حقوق مدنی و حقوق خانواده نیز مورد پذیرش قرار نگرفته است.

واژه های کلیدی: اضطراب، اجبار، اکراه

مقدمه

اصطلاح ازدواج سفید چندین کاربرد و رویه متفاوت دارد: کاربرد جدید نمونه فارسی آن می‌باشد که اصطلاحی برای توصیف زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی است. از این زندگی مشترک دو تعریف متفاوت وجود دارد، گروهی در ایران می‌گویند: مقصود از ازدواج سفید آن است که زوجین بدون عقد نکاح اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک میکنند، اما منابع فارسی زبان آلمان زندگی مشترک بدون ازدواج یا ازدواج سفید را پیش زمینه ای برای بسیاری از دواجهای رسمی مطرح میکنند. همچنین گروهی دیگر در ایران آن را معادل زندگی مشترک بدون ازدواج یا همبازی مطرح میکنند که طرفین همدیگر را متعهد به یکدیگر نمی‌دانند. این ازدواج اکنون در جوامع غربی به یک پدیده عادی بدل شده است. حال با توجه به تعاریف و توضیحات، بدیهیست این نوع ازدواج در ایران مورد پسند نخواهد بود. از این نوع ازدواج در ایران به دلیل اینکه بصورت مخفیانه صورت می‌گیرد آمار دقیقی در دست نیست اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که وجود آن در بین جوانان شیوع پیدا کرده است، حال باتوجه به اهمیت این موضوع که تاثیر بسزایی در استحکام و یا فروپاشی روابط و خانواده‌ها خواهد داشت و همچنین اهمیت نهاد خانواده در فرهنگ و جامعه ایرانی شایسته است در این باب به بررسی دقیق‌ترین پدیده پرداخته شود.

ازدواج سفید نوعی رابطه بین زن و مردی است که بدون رعایت شرایط ازدواج شرعی باهم و زیر یک سقف زندگی می‌کنند. ازدواج سفید یکی از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر در جوامع مختلف، علی‌الخصوص کشور ایران است. رابطه‌ای که بدون در نظر گرفتن قواعد شرعی، اسلامی و اخلاقی در حال گسترش است. به دلیل تازه بودن این نوع رفتار در جامعه به‌طور کامل شناخته نشده است و به همین خاطر تا به حال به‌صورت جامع و دقیق مورد بررسی متخصصان قرار نگرفته و منابع علمی و تحقیقاتی زیادی در رابطه با آن وجود ندارد. عمده دلایل گرایش افراد به این نوع رابطه در نگاه کارشناسان، سهولت انجام عمل ازدواج سفید است که به دلیل تغییرات فرهنگی در اثر پیشرفت ارتباطات و برخورد فرهنگ‌های جوامع مختلف بنا به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی به وجود آمده است. مشکلات مالی جوانان در تشکیل خانواده به شکل سنتی در جامعه ایران و سخت‌گیری خانواده‌ها، الگوبرداری از کشورهای دیگر، محک زدن رابطه، آشنایی بیشتر، عدم اعتقاد به ازدواج، سست شدن اعتقادات مذهبی، نداشتن مسئولیت‌های سنگین که در ازدواج قانونی وجود دارد و عوامل مختلف دیگر میل به ازدواج سفید را بین افراد جامعه و خصوصاً جوانان گسترش داده است. ازدواج سفید آسیب‌های فراوانی از جمله کاهش شدید ازدواج رسمی و سست شدن پایه‌های خانواده‌ها، کم شدن احساس مسئولیت در افراد، کاهش میل به ازدواج، کم شدن اعتماد زوجین به هم تحمیل هزینه اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان حاصل از این ارتباط، افزایش میل به طلاق و آغاز این‌گونه رفتارها در زوجین و مشکلات شدید روحی و روانی را به افراد، خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کند. در فقه اسلامی تشکیل خانواده و امر ازدواج دارای قواعد دقیقی است که رعایت آن‌ها برای مسلمانان واجب و لازم است، همچنین در حقوق، برای تنظیم تمام قراردادهای، قواعد منظمی پیش‌بینی شده که سعی می‌شود تا با مقایسه ازدواج‌های قانونی، ازدواج سفید و دیگر اصول مربوط به قراردادهای، زوایای مختلف این رفتار بررسی شده و جایگاه واقعی این موضوع شناخته شود. سعی می‌شود با تطبیق این رفتار با ازدواج معاطاتی و توسل به فقه پویا راه‌حلی برای برون‌رفت از معضلات حاصل از این ازدواج پیدا شود چراکه اصولاً تمام رفتارها و روابط بین اشخاص که برای آن‌ها ایجاد مسئولیت می‌کند باید مطابق قانون باشد تا در صورت ضرورت از آن‌ها حمایت لازم صورت گیرد، با این توضیح ابتدائی در حال حاضر در حقوق ایران هیچ تعریفی با این نوع رفتار، سازگاری ندارد و ازدواج سفید عملی خلاف شرع و قانون است و هیچ حمایت قانونی دریافت نمی‌کند و چه‌بسا در صورت کشف این روابط بسته به شرایط آن، مرتکبین با مجازات سنگینی روبرو شوند.

مفهوم ازدواج سفید

در طول تاریخ بشری و در جامعه و فرهنگ‌های مختلف، رابطه با جنس مخالف، اشکال و ابعاد متنوعی به خود گرفته است. یکی از انواع جدید و رو به گسترش آن که در سالهای اخیر در کشورمان بخصوص در کلان شهرها شاهد آن هستیم، ازدواج سفید است. شروع زندگی مشترک زیر یک سقف، با توافق دو طرفه بین زن و مرد و بدون ثبت رسمی، قانونی و حقوقی ازدواج سفید گفته میشود. ازدواج سفید، پیوندی غیرقانونی و غیررسمی است که در آن دو طرف هیچ تعهدی برای کنار هم ماندن

ندارند. به عبارتی هم‌خانگی بدون ازدواج یا ازدواج سفید پدیده‌های است که دختر و پسر به عنوان همخانه با یکدیگر زندگی میکنند، بی آنکه میان آنها پیوند رسمی ازدواج و رابطه زن و شوهری باشد. این روزها هشدارهایی در خصوص رواج مخفیانه ازدواج سفید در کشورمان می‌شنویم. اتفاقی که نه از نظر سنت و نه از نظر شرع برای خانواده‌های اصیل ایرانی پذیرفتنی نیست. در دنیای غرب، با توجه به تغییر سبک زندگی و در کنار آن، افزایش فشارهای اقتصادی، به طور کلی میل به ازدواج شرعی و رسمی کاهش یافته و روابط، بیشتر بر پایه ارضای غرایز و آزمایش گونه شکل می‌گیرد.

تبعات ازدواج سفید

فرزندان حاصل از چنین ازدواجی بیشترین لطمه را متحمل میشود، چراکه چنین ازدواجی ثبت نمیشود و سرنوشت آنان پس از تولد مشخص نیست. بارداریهای ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین غیرقانونی از تبعات دیگر ازدواج سفید است. چنین رابطه‌ای موجب کاهش فرزندآوری میشود، علاوه بر آن سطح زندگی افراد تغییر میکند و خلاء روانی برای دختر را در پی دارد و ممکن است حتی شانس مادر شدن او را کاهش دهد و حتی به آسیب‌هایی مانند اعتیاد سوق پیدا کنند، این در حالیست که مردان در صورت ترک چنین رابطه‌ای کمتر آسیب می‌بینند.

از لحاظ جنبه حقوقی ازدواج سفید از نظر قانونی جرم است. از نظر شرعی نیز گناه محسوب میشود و همواره فرد با نوعی ترس و نگرانی از عواقب چنین رابطه‌ای دست و پنجه نرم میکند. این در حالیست که اگر این روابط ثبت شود، امکان اثبات متعلق بودن فرزند به پدر وجود دارد. این رابطه نه از سوی خانواده و نه نهادهای اجتماعی پذیرفته نمیشود. بنابراین میتواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. هرچند که ممکن است ارضای عاطفی و جنسی و سرنوشت یکسان اقتصادی به دنبال داشته باشد، اما به محض آشکار شدن، مردم با آن مخالفت میکنند و حمایت‌های اجتماعی از زوجین برداشته میشود. چرا که این پیوند از نظر حقوقی و قانونی هیچ جایگاهی ندارد. در پدیده ازدواج سفید ممکن است که یکی از زوجین هر لحظه نسبت به ادامه رابطه و ازدواج رسمی در آینده اظهار بی میلی و پشیمانی کند و این امر سبب وارد شدن صدمات روحی قابل توجهی به ویژه به زنان خواهد شد. از آنجائی که زوج‌ها در این پدیده هیچ تعهد و حمایت مالی در برابر همسر خود ندارند بنابراین بیشتر اوقات خود را به تفریحات دوران مجردی می‌گذرانند و احتمال خیانت جنسی در این نوع ازدواج، بسیار بیشتر از ازدواج رسمی است. احتمال اینکه زوج‌ها در ازدواج سفید فقط با همسر خود ارتباط جنسی برقرار کنند بسیار کمتر است از زوج‌هایی که ازدواج رسمی داشته‌اند. در ازدواج سفید احتمال خیانت زنان به مردان ۲۰ درصد اعلام شده است در حالی که این احتمال در ازدواج رسمی تنها ۴ درصد است. همچنین عوارض بهداشتی ناشی از سقط غیرقانونی جنین و بارداریهای ناخواسته از تبعات دیگر ازدواج سفید اعلام شده است.

ازدواج سفید از دیدگاه حقوقی

از دیدگاه حقوقی و از منظر قانون ازدواج سفید جرم است و از نظر شرعی نیز گناه محسوب میشود. ازدواج سفید از سوی خانواده و نهادهای اجتماعی نیز پذیرفته شده نمی‌باشد. بنابراین میتواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. هرچند که ممکن است ارضای عاطفی و جنسی را به دنبال داشته باشد، اما از آنجائی که این پیوند از نظر حقوقی و قانونی در ایران هیچ جایگاهی ندارد به محض آشکار شدن این نوع رابطه‌ها، خانواده‌ها با آن مخالفت میکنند و حمایت‌های اجتماعی نیز از زوجین برداشته میشود. بنابراین بهتر است که با فراهم کردن شرایط اجتماعی و اقتصادی مطلوب برای جوانان و تشویق آنان به ازدواج دائم، میزان تمایل آنان را به ازدواج سفید کاهش داد و آنان را از عوارض چنین پیوندهایی دور نگه داشت. ازدواج‌های سفید، بدون تعهد و برای فرار از بار مسئولیت است و هیچ گونه حمایت و ضمانت قانونی برای آنها وجود ندارد. به گزارش قانون، نزد اسلام پیوند زن و مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اسلام فقط ازدواج را مشروع قرار داده و از هر نوع پیمان دیگر خارج از چارچوب شرع ممانعت کرده است. به‌طورکلی اسلام ازدواج را پیوند طبیعی و سنتی از سنت‌های اجتماعی میداند. قرآن میفرماید: ای پیامبر ما قبل از شما پیامبرانی فرستاده‌ایم که دارای همسران و زنانی بوده‌اند سوره رعد آیه، ۳۳ اسلام تا جایی به سنت ازدواج اهمیت داده که آن را مصادف با کامل شدن دین زن و مرد میداند.

به طور کلی نمی‌توان بی‌علت وارد حریم خصوصی افراد شد مگر اینکه جرم به طور علنی رخ داده باشد. لذا نمی‌توان با زن و

مرد در ازدواج سفید برخورد قضایی کرد مگر آنکه شاکی خصوصی، مثل همسایه داشته باشند یا تحت شرایط خاص، دادستان علیه این افراد اعلام جرم کند. به همین دلیل اثبات زنا یا رابطه نامشروع در این موارد مشکل است. مشکلات قانونی ازدواج سفید ریشه در تبعات بعدی آن دارد. مشکلات اصلی زمانی است که زن بچه دار شود یا مرد رها کند و برود، مسائل مالی پیش بیاید یا خشونت بین آنها اتفاق بیافتد با توجه به الزامی نبودن ثبت رسمی ازدواج موقت (در مواردی که زن باردار نیست) ممکن است دختر و پسری که در قالب ازدواج سفید با یکدیگر زندگی می کنند به جاری شدن صیغه محرمیت و عقد موقت استناد کنند. باید خاطر نشان کرد بسیاری از قضات صرف ادعای صیغه را قبول نمیکنند و از خانواده و اطرافیان دو طرف در این خصوص پرسش میکنند. در ازدواج سفید به خاطر اینکه هیچ کجا سندی مبنی بر زن و شوهری ثبت نشده است به همین خاطر خیلی راحت دختر و پسر میتوانند رابطه خود را پایان بدهند بدون اینکه قانون و حتی جامعه بتواند حمایت خاصی از آنان بکند. با توجه به فرهنگ ایرانی، چنین امری میتواند بیشتر به ضرر دخترها باشد عقد ازدواج، دائم یا موقت، چنانچه طبق شرع و قانون صورت گیرد آثار مالی و غیر مالی بر آن بار می شود. نتایج عقد نکاح به طور امری از جانب قانونگذار معین می شود که زن و مرد فقط در صورت ثبت ازدواج دائم یا موقت و در شرایط عدم ثبت ازدواج موقت و در صورت اثبات، از آن برخوردار می شوند. مثلاً فقط در صورت ثبت ازدواج یا اثبات عقد موقت می توان برای فرزند متولد شده شناسنامه گرفت. فرزندان حاصل از ازدواج سفید بر اساس قوانین ایران مشروع به شمار نمی آیند، و از حقوق قانونی همچون داشتن شناسنامه برخوردار نیستند. با این وصف در ازدواجهای سفید، چه ادعای نکاح اعم از دائم یا موقت وجود داشته باشد چه بدون هرگونه علقه زوجیت، طرفین این پدیده مجرمانه به زندگی باهم بپردازند عمل، حادثه غیرقانونی و جرم بوده و برای هر مصداق از آن مجازات خاصی تعیین شده است. چه نکاح بدون ثبت باشد، چه رابطه نامشروع اعم از زنا یا مادون آن. همانطور که در بالا هم ذکر کردم، قانون مجازات اسلامی نیز، با استناد به شرع مبین اسلام، هرگونه رابطه غیرشرعی فی مابین زن و مرد، اعم از زنا و مادون زنا را ممنوع و برای آن مجازات تعیین کرده است. این مجازاتهای کشورهای غربی موضوعیتی نداشته و این پدیده نیز جرم نیست؛ اما در کشورمان ایران نه تنها این پدیده، پدیدههای مجرمانه است، بلکه برای آن مجازات از انواع حد و تعزیر در نظر گرفته شده است لذا دختران و پسران ایرانی الگو برداری کاملاً غلطی از این سبک زندگی غربی داشته و دارند. در ازدواج سفید زن نمیتواند ادعای نفقه، ارث، ویا استفاده از خدمات بیمه شوهرش را داشته باشد. در صورتی که مورد سو استفاده مالی قرار گیرد به سختی میتواند به دادگاه شکایت کند. ممکن است دوطرف به زنا یا رابطه نامشروع محکوم شوند. از آنجایی که اثبات زنا تقریباً غیر ممکن است، قضات بیشتر بر اساس جرم رابطه نامشروع حکم میدهند که مجازات آن حداکثر ۹۹ ضربه شلاق می باشد. همچنین قانون برای عدم ثبت ازدواج دائم، مجازات حبس یا جزای نقدی را در نظر گرفته است.

پیامدهای اجتماعی ازدواج سفید

چنین افرادی برداشت درستی از خانواده و کارکردهای آن ندارند، خیلی دیر به بلوغ فکری لازم برای تعهد و مسئولیت پذیری ازدواج می رسند و از آن می گریزند زیرا یک الگوی موفق در مورد ازدواج و خانواده تجربه نکرده اند. تحقیقات نشان داده است زنان در چنین رابطه هایی بیش از انواع دیگر ازدواج دچار خشونت خانگی می شوند و چنین روابطی زودتر از ازدواج های رسمی و شرعی از هم می پاشد.

در ازدواج سفید آنچه بسیار به چشم می آید احساس عدم امنیت روانی برای هر دو طرف و خصوصاً برای دختران و زنان است و از آنجا که ساختار خلقت و شخصیت زنان بسیار هیجانی، لطیف و بر اساس ظرائف و پیچیدگی های خاص آن ها طراحی شده اینگونه روابط تأثیر مخرب و فاجعه آمیزی بر ذهن و روان آن ها بر جای می گذارد.

از سوی دیگر در چنین ارتباطاتی برای فرزندان و بارداری های احتمالی هیچ پیش بینی ای انجام نگرفته و همین امر میزان فرزندان و کودکان نامشروع، بدون شناسنامه، و آمار سقط جنین غیرقانونی و مرگ و میر ناشی از آن می افزاید.

علل گرایش به ازدواج سفید

دلیل اصلی ظهور پدیده ازدواج سفید را نبود مسئولیت پذیری حداقل در یک طرف از رابطه میباید و نبود مسئولیت پذیری، ریسک فاکتوری اساسی برای زندگی محسوب میشود؛ چرا که در چنین روابطی افراد مسئولیت عملکرد خود را برعهده

نمیگیرند. چنین عاملی میتواند در تداوم زندگی مشترک تاثیر بسیار زیادی داشته باشد این در حالیست که اکنون فضای ازدواج مناسب نیست و افراد به علت مشکلاتی مانند مسائل اقتصادی تمایل به ازدواج و رفتن زیر یک سقف را ندارند.

معایب ازدواج سفید

عدم تعهد و وفاداری، خیانت جنسی، وقت گذرانی و تفریحات مجردی، بروز مشکل در روابط خانوادگی و عدم پذیرش و حمایت عاطفی و مالی از طرف خانواده ها از جمله مواردی است که در ازدواج سفید بیشتر از ازدواجهای رسمی گزارش می شود. روال آزمایشی، موقت و بیتعهد ازدواج سفید مانع میشود که بسیاری فواید ازدواج رسمی را برای دو طرف داشته باشد. عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر این روابط، سرمایه گذاری در آن را برای هر دو طرف پرخطرتر میکند. از طرفی زندگی کردن با یک نفر به جای ازدواج کردن با او، جذابیت ازدواج را برای افراد کاهش می دهد و حتی در صورت پذیرش ازدواج دائم با همان فرد یا فرد دیگر، احتمال موفق شدن این افراد کمتر است. در چند دهه اخیر، نهاد "خانواده" در جهان تحولات گسترده ای داشته است؛ تحولاتی که ریشه های آن را باید در "انقلاب جنسی" اواخر دهه ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و امریکایی جست وجو کرد (Carr, 2011). انقلابی که به تدریج به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش ها، اخلاق، و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد. یکی از مهم ترین نتایج انقلاب جنسی در غرب، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها بوده است روابطی که، به تدریج، نقاط دیگر جهان را نیز فراگرفت (Regnerus and Uecker, 2011). این انقلاب، با اسطوره زدایی از رابطه جنسی، آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که به راحتی در "قبل از ازدواج" دست یافتنی است. در این دوره، ارضای "نیاز جنسی" از اتکا به ازدواج جدا شد، اما گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج زمینه را برای تغییرات تعیین کننده بعدی مهیا کرد و در این میان، نه تنها به تدریج سن ازدواج را افزایش داد که زمینه های اجتماعی لازم را برای پیدایش الگوهای جدید ازدواج سفید فراهم کرد. تغییرات اجتماعی در این دوره جنبه رادیکال تری به خود گرفت. در اوایل انقلاب جنسی، هرچند به تدریج سن ازدواج در اروپا و امریکا افزایش یافته بود، با این حال، بسیاری از افراد همچنان ازدواج می کردند؛ منتها با اندکی تأخیر، اما این همه راه نبود و انقلاب جنسی، با گسترش الگوهای ازدواج سفید، ضربه های سخت تری را این بار نه صرفاً به اسطوره روابط جنسی، بلکه به خود ازدواج وارد کرد. پیدایش الگوهای ازدواج سفید با جنس مخالف که آن را از سطح مناسبات جنسی پیش از ازدواج نه تنها به سطح عاطفی، بلکه به زندگی مشترک بدون ازدواج میان آن ها ارتقا داد؛ الگویی از رابطه که روزه روز بر طرف داران آن افزوده میشود. در این میان، جدا از مسائل اقتصادی، تغییرات ارزشی نیز در شکل گیری این روابط نقش داشته اند. یکی از علل گسترش ازدواج سفید، تضعیف بنیان های فلسفی ازدواج در کشورهای غربی بوده است. امروزه، در نظر جوانان این کشورها، دو مفهوم "تعهد به زندگی با یک دیگر" و "تعهد به ازدواج" تفاوت کمی با هم دارند. در حالی که در دهه ۱۹۶۰، در همه کشورها، ازدواج سفید امری بسیار نادر و کم یاب بود (Blossfeld and Timm, 2003). امروزه در سراسر اروپا و امریکا، به خصوص در میان، نسل های جوان تر، به طور چشم گیری در حال پذیرش و افزایش است به طور مثال در امریکا، در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای ازدواج سفید زندگی می کردند، اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید و در اواخر دهه ۱۹۹۰، از مرز ۴ میلیون گذشت این در حالی است که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در امریکا در قالب ازدواج سفید با یک دیگر زندگی میکنند (Goodwin et al, 2010)، همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد بیش از نیمی از زنانی که در امریکا ازدواج کرده اند، پیش از آن، رابطه ازدواج سفید را با همسر فعلی خود تجربه کرده بودند، این تغییرات گویای آن است که، در چند دهه اخیر، واقعه ای مهم در این جوامع روی داده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن، بسیاری از معادلات را برهم زده است. با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، در کشورهای متعدد جهان، به تدریج "سن ازدواج" در این کشورها افزایش یافت؛ اما، با گسترش ازدواج سفید "تعداد ازدواج ها"، نیز کاهش چشم گیری یافت؛ چرا که ازدواج سفید، به شکل رقیب جدی، در مقابل ازدواج قد علم کرده بود (Pla and Beaumel, 2010).

امروزه، ازدواج در حال تضعیف و ازدواج سفید در حال تقویت شدن است به طور مثال، شاخص‌ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان می‌دهند. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا ۵۰ سالگی، از بالای ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کم‌تر از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در مقابل، میزان ازدواج سفید در کانادا، رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است در قاره اقیانوسیه نیز ازدواج سفید رو به افزایش است؛ به طوری که در استرالیا از ۱۶ درصد در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است (Hewitt and De Vaus, 2009). این تغییرات، به امریکای شمالی و اقیانوسیه محدود نمانده و اروپا نیز روندهای مشابهی از آن را تجربه کرده است. هرچند ازدواج سفید در اروپا پدیده جدیدی نیست و قبل از انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰ نیز به علل گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت می‌شد، در آن زمان، عملی غیر قانونی، مشمول مجازات، و البته نادر بود. کیرنان در مقاله خود نشان می‌دهد که در دوره‌های اولیه پیدایش ازدواج سفید غالباً افراد فقیر، که توانایی ازدواج نداشتند، وارد این گونه روابط می‌شدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین علل شکل‌گیری آن بود. عده‌ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط می‌شدند. به طور مثال نیو هرترس از آلمان گزارش می‌دهد که بعد از جنگ جهانی دوم، در این کشور، زنان میان سال بعد از طلاق یا مرگ شریک زندگی خود، غالباً، ازدواج سفید را به ازدواج مجدد ترجیح می‌دادند؛ چون نمی‌خواستند حقوق دوران بیوگی آن‌ها، که دولت پرداخت می‌کرد، قطع شود، اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد، در اروپا، این بار نه صرفاً افرادی با شرایط اجتماعی خاص بلکه گروه‌های متفاوتی از مردم به سمت این شکل از رابطه‌ها رفتند و، به تدریج، ازدواج سفید در میان بیش‌تر طبقات و گروه‌های اجتماعی رواج یافت. در این میان، فرایند تغییر نگرش به ازدواج و شیوع روزافزون ازدواج سفید پذیرش قانونی این روابط را نیز با خود به همراه آورد. به طور مثال امروزه در یازده کشور اروپایی از ازدواج سفید، به مثابه یک رابطه قانونی، حمایت می‌شود و در کشورهای دیگر این قاره نیز، هرچند این روابط قانونی نشده است، با آن برخوردی هم‌نمیشود؛ به طوری که در بسیاری از کشورهای اروپایی، زوج‌های هم‌خانه [۶] به موازات زوج‌های ازدواج کرده با هم زندگی می‌کنند و حتی صاحب فرزند می‌شوند. با این حال، تغییرات خانواده در سراسر اروپا به طور یکنواخت رخ نداده است، بلکه در سال اخیر، روند اشاعه آن از شمال اروپا به سمت جنوب در حرکت بوده است (ارمکی و دیگران: ۱۳۹۱).

گسترش ازدواج سفید در اروپا، که در میانه دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، در مرحله اول در شمال این قاره و در کشور سوئد به وقوع پیوست و پس از مقبولیتی که در این کشور پیدا کرد، در مرحله دوم، گسترش بیش‌تری یافت و در دهه ۱۹۷۰ به کشورهای مرکز اروپا مانند فرانسه، اتریش، سوئیس، آلمان، هلند، و انگلستان اشاعه یافت. سپس، در مرحله سوم از حیات تاریخی خویش، در اوایل دهه ۱۹۸۰ به جنوب اروپا و کشورهایی چون ایتالیا، پرتغال، اسپانیا و یونان انتقال یافت (Loffler, 2009). به این ترتیب، ازدواج سفید در اروپا با درنوردیدن سرزمین‌های گوناگون، به تدریج، از رفتار انحرافی و نابهنجار به رفتاری بهنجار و پیش‌پا افتاده تغییر معنا داد. در این بین، روند تاریخی و تدریجی اشاعه ازدواج سفید در اروپا، سطوح متفاوتی از تأثیرات را نیز در این کشورها با خود به همراه داشته است؛ مثلاً ازدواج سفید در شمال و مرکز اروپا، به سبب تقدم تاریخی آن، رواج بسیار بیش‌تری در برابر جنوب اروپا دارد. این روابط، در مرکز و جنوب اروپا، از ۸۰ درصد در فرانسه تا ۱۰ درصد در ایتالیا در نوسان است (ارمکی و دیگران، همان: ۱۸).

این در حالی است که در کشور سوئد، در شمال اروپا، که پیش‌قراول ازدواج سفید در این قاره است، بیش‌تر جوانان، ازدواج سفید را به ازدواج ترجیح می‌دهند و به جوانان در سوئد، ازدواج سفید را به جای ازدواج انتخاب نمی‌کنند؛ آن‌جا فقط ازدواج سفید وجود دارد و به تعبیر تروست گسترش ازدواج سفید در کشورهای غربی، به مثابه شکل جدیدی از خانواده، مهم‌ترین تغییر در الگوهای خانواده در ۵۰ سال اخیر بوده است (Nazio, 2008).

امروزه، در غرب، معمولاً از دو نوع عمده ازدواج سفید یاد می‌شود "ازدواج سفید پیش از ازدواج" و "ازدواج سفید بدون ازدواج" در الگوی اول، ازدواج سفید بیشتر مرحله‌ای مقدماتی و آزمایشی است برای رسیدن به ازدواجی بهتر (Murrow and Shi, ۲۰۱۰)، اما، در الگوی دوم، ازدواج سفید اساساً ازدواج را به حاشیه رانده و خود بر مسند آن نشسته است. ازدواج سفید پیش از

ازدواج به "تأخیر" ازدواج‌ها انجامید و ازدواج سفید بدون ازدواج، به "انکار" آن. از طرفی، در الگوی اول، ازدواج سفیدها کوتاه تر و، در الگوی دوم، طولانی تر است (Perelli-Harris et al., ۲۰۱۱). به همین سبب، ازدواج سفید پیش از ازدواج کم تر به فرزندآوری منتهی میشود به عکس، در الگوی ازدواج سفید بدون ازدواج، فرزندآوری به وفور یافت میشود. ازدواج سفید بدون ازدواج، که شکل تعمیق یافته و پیشرفته ازدواج سفید است، در کشورهای شمال اروپا مانند سوئد، دانمارک، و همچنین بخش هایی از امریکای شمالی مانند کانادا رایج است. ازدواج سفید پیش از ازدواج نیز ویژگی بسیاری از کشورهای مرکز و جنوب اروپا و شکل غالب در ایالات متحده امریکاست؛ به طوری که امروزه بسیاری از ازدواج‌ها در امریکا ابتدا با ازدواج سفید آغاز میشود. البته، روند تغییرات در الگوهای موجود نیز نشان میدهد که با گسترش و پذیرش هرچه بیشتر ازدواج سفید در کشورهای مرکز و جنوب اروپا و همچنین ایالات متحده الگوهای ازدواج سفید پیش از ازدواج در این کشورها نیز به سرعت به سمت الگوهای ازدواج سفید بدون ازدواج در حال تغییر است؛ روندی از تشدید تغییرات، که در آینده، تأثیرات مهم و طولانی مدتی را در ساختار این جوامع خواهد گذاشت (ارمکی و دیگران، همان: ۱۹).

بررسی ازدواج سفید از لحاظ فقهی و حقوقی در نظام حقوقی ایران

در این که هم باشی ازدواج نیست، تردیدی نیست و در فرضی که با رضایت دو طرف همراه با قصد واقعی آنان بتوان با جاری کردن صیغه ی عقد در قالب نکاح دائم قرار داد در صورت عدم ثبت آن در دفاتر اسناد رسمی، قانونی نیست و مطابق ماده ی ۶۴ قانون مجازات اسلامی برای زوج، مجازات تعزیری تا یک سال حبس، مقرر شده است و در ماده ی ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح موقت در صورت بارداری زوجه یا توافق دو طرف در هنگام انعقاد نکاح موقت یا درج به صورت شرط ضمن عقد الزامی شده است. بنابراین اگر افرادی صرفاً به صورت توافق این نوع زندگی مشترک را انتخاب کنند، چنین توافقی برخلاف نظم عمومی، اخلاق حسنه و نامشروع است که از حیث ارتکاب عمل نامشروع و فعل حرام مطابق مادهی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات خواهند بود و فرزند حاصل از آن نامشروع تعریف میشود که از حقوق اجتماعی از جمله تحصیل و شناسنامه محروم خواهد بود و از والدین طبیعی خود ارثی نخواهند برد و همسرش مستحق دریافت نفقه نخواهد بود و نباید انتظار داشت قانون برای هر ناهنجاری، یک لباس قانونی ببوشاند و در این زمینه، خلا قانونی نداریم. از لحاظ قانونی ازدواج متعه پیش بینی شده است.

از دیدگاه فقها مخصوصاً آیت الله مکارم شیرازی اصل بر این است که این ازدواج حکم زنا را دارد که هم خانه شدن بدون ازدواج رسمی، از نظر دینی هیچ فرقی با زنا ندارد. و به هیچ عنوان نمیتوان خصیصه های ازدواج را در آن یافت. و با توجه به اینکه دروغ بستن بر دین گناهی بسیار سنگین تر از زنا است، به شدت توصیه میکنیم کسانی که مایل به این گناه هستند، هرگز در صدد توجیه آن بر نیایند و سعی کنند خود را از هموار کننده بودن مسیر این گناه کنار بکشند، تا در گناه دیگران نیز شریک نشوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

یک عامل مهم دیگری که نظام حقوقی ایران به آن توجه نموده، این است که با این شیوه قانون خانواده و شرایط حاکم بر آن دور زده میشود این مسأله برای افرادی که ازدواج کرده اند و سپس طلاق می گیرند اهمیت بیشتری دارد. در ساختار اغلب خانواده ها و براساس حقوق موجود، مرد رئیس خانواده است، هرچند از این جمله می توان برداشت های گوناگون کرد، ولی برخی از مردان با وضعیتی که در خانه ایجاد میکنند، به نوعی شیوه سلطه بر زن را برمی گزینند، و برخی از خانمها هم که نمی خواهند چنین سلطه‌های را پذیرا شوند، اقدام به طلاق میکنند، و پس از طلاق حاضر می شوند بدون رابطه حقوقی رسمی دائمی و فقط در قالب صیغه با یکدیگر و در زیر یک سقف زندگی کنند و تسلط مرد را نپذیرند طبیعی است که در این شرایط مرد قدرت ناشی از ریاست خانواده را در اختیار ندارد.

پس «در ازدواجی که زن و مرد عمدتاً بدون هر گونه قیودات شرعی و ثبت قانونی تن به رابطه دهند این نوع رابطه نه شرعی، نه عرفی و نه قانونی به حساب می آید و اساساً نام ازدواج نمیتوان بر آن نهاد و یک رابطه غیرشرعی است که قانون از آن و فرزند حاصل از آن هیچ حمایتی نمیکند. در چنین حالتی رابطه نسبی و سببی بین زن و مرد و فرزند حاصل از رابطه وجود ندارد و طبیعتاً فرزند شناسنامه ای بدون نام پدر و مادر خواهد داشت و نسب خود را تنها از خاندان مادری می گیرد.» (مکارم

شیرازی، ۱۳۹۳). در ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده از محوریت نکاح دائم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی یاد شده و مورد حمایت قرار گرفته است، اما نکاح موقت را تابعی از موازین شرعی و مقررات قانون مدنی ذکر نموده و ثبت آن را در سه مورد؛ باردار شدن زوجه، توافق طرفین و شرط ضمن عقد الزامی دانسته است. این الزام متوجه زوج بوده و در خارج از موارد مزبور، ولو با تحقق ازدواج موقت - ثبت آن الزامی محسوب نخواهد شد. بنابر این تکالیف آن وقتی الزامی میشود که یکی از موارد یاد شده بر آن مترتب باشد. اما در مورد خانواده سفید هیچ کدام از شرایط فوق تحقق پیدا نکرده یا در صورت پیدا کردن تحقق برخی از آنها نامشخص و مبهم است. چنین رابطه ای زنا تلقی میشود و فرزند ناشی از آن فاقد مشروعیت قانونی است، چون نسبت فرزندی او با پدر قابل اثبات نیست، بنابراین فرزندان متولد از ازدواج سفید یا خانواده های سفید از نظر حقوقی و نسبی در صورت عدم سرپرستی والدین نامشروع آنها، فاقد پشتوانه خواهند بود. در چنین مواردی اغلب زن به خاطر پرهیز از بی آبرویی به دنبال اثبات رابطه ابویت فرزند و والد نمیرود و حتی اگر ادعا کند که صیغه بوده است، در صورت انکار مرد، ادعای زن، به خاطر ثبت نبودن، قابل اثبات نیست.

بارداریهای ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین غیرقانونی از تبعات دیگر ازدواج سفید است. از نظر نسب و سبب های زوجیت و ولاء موجبات ارث هستند و هرگاه این عوامل بین اشخاصی ایجاد شود، اشخاص از یکدیگر ارث میبرند. اشخاصی که به موجب نسب ارث میبرند، عبارت از سه طبقه پدر، مادر، فرزندان و فرزندان فرزندان، اجداد، برادر، خواهر، فرزندان آنها و عموها، عمه ها، داییها، خاله ها و فرزندان آنها میباشد. حال در ازدواج های غیر رسمی وضعیت ارث فرزندان متولد شده از این روابط و همچنین وضعیت ارث بردن زوجین از همدیگر مشخص نیست و قانون باید وضعیت آن را روشن کند. در این میان در این شیوه فرزندان بی پدر و بی خانواده ای باقی می ماند که نه آن ها از والدین ارث میبرند و نه والدین از آن ها. گرچه سایر حقوق این کودکان چون بقیه کودکان است، اما معمولاً کسی حضانت آنان را بر عهده نمیگیرد، مگر اینکه یک پروسه پیچیده قانونی طی شود. در این موارد سپردن حضانت به مادر محتمل تر است و زن چه از نظر روانی و چه از نظر حقوقی شکست خورده و بلا تکلیف باقی میماند.

از دیدگاه فقها مخصوصاً آیت الله مکارم شیرازی اصل بر این است که همخانه شدن بدون ازدواج رسمی، از نظر دینی هیچ فرقی با زنا ندارد و به هیچ عنوان نمیتوان ویژگی های ازدواج را در آن یافت. بنابراین فرزندان متولد از ازدواج سفید از نظر حقوقی و نسبی فاقد پشتوانه خواهند بود. در چنین مواردی حتی اگر زن ادعا کند که صیغه بوده است، در صورت انکار مرد، ادعای زن، به خاطر ثبت نبودن، قابل اثبات نیست. بارداریهای ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین غیرقانونی از تبعات دیگر است. در ازدواج سفید وضعیت ارث فرزندان متولد شده و همچنین وضعیت ارث بردن زوجین از همدیگر مشخص نیست. حتی سایر حقوق کودکان نامعلوم است و معمولاً کسی حضانت آنان را بر عهده نمیگیرد، مگر اینکه مراحل پیچیده قانونی طی شود.

در نظام حقوقی و فقهی ایران ازدواج سفید به دلیل عدم ثبت شرعی و عدم مسئولیت حقوقی و عدم مشروعیت فقهی این نوع رابطه و همچنین بارداریهای ناخواسته و عوارض بهداشتی، غیرقانونی میباشد. ازدواج سفید که معادل همخانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج است، از شیوه های رایج در غرب بوده که در نقاط متعدد جهان نیز در حال گسترش است و به هیچ وجه با آموزه های دینی و فرهنگی جامعه اسلامی همخوانی ندارد. از جمله علل روی آوردن جوانان به این نوع به اصطلاح ازدواج، مشکلات اقتصادی و ناامنی شغلی، پذیرش آموزه های فمینیسمی، گسترش روابط آزاد جنسی، گسترش سکونت انفرادی، عدم پذیرش تعهد و مسئولیت پذیری از عوامل مهمی است که در پیدایش الگوی ازدواج سفید دخالت دارند. در ازدواج سفید اصل مشروعیت در زندگی، قانون، اصل آینده نگری، اصل اخلاق، اصل انسانیت و حریت نادیده گرفته شده و افراد با بسیاری از مشکلات دست و پنجه نرم میکنند و با بوجود آمدن مشکلات اصلی، فشارهای روانی افراد افزایش مییابد، حریم و حرمت افراد خدشه دار میشود، زمینه رشد معنوی و کمالات انسانی فراهم نمیشود، بسیاری از افراد بیمسئولیت شده و از فواید ازدواج پاک محروم میمانند و اینجاست که تفاوت فاحش میان ازدواج شرعی و ازدواج بی پایه و اساس، روشن میشود. این پدیده آثار مخرب خانوادگی نظیر افول ازدواج، فروپاشی نهاد خانواده را نیز در پی دارد. دین مقدس اسلام در وهله اول ازدواج دائم که بر اساس آن، خانواده های تشکیل میشود و به عنوان یک بنیاد پایدار اجتماعی به شمار میآید و در مرحله بعد ازدواج موقت را برای کسانی که امکان ازدواج دائم

ندارند، مطرح می‌کند که از آن در فرهنگ اسلامی به صیغه موقت هم تعبیر میشود و بر پایه آن رابطه زناشویی موقتی با مدت و مهریه مشخص و با یک سری تعهدات معین شرعی و قانونی طی مدتی معلوم بر افراد بار می‌کند که هر دو طرف تابع آن هستند و تبعات ازدواج سفید را نیز از هر لحاظ نخواهد داشت و این را بهترین راه حل و جایگزین این نوع الگوی ازدواج میدانند. عدم آگاهی از تعریف صحیح نکاح موقت و ماهیت آن، موجب مشکلات فراوانی شده است.

احکام فقهی ازدواج سفید از نظر مراجع عالی قدر معاصر:

در سایت خبرآنلاین، آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله جعفر سبحانی به پرسش‌هایی درباره این ازدواج در استفتاء شفقنا پاسخ داده‌اند:

نظرات آیت الله شبیری زنجانی:

- فارغ از سایر شرایط از جمله رضایت دختر و پسر در ازدواج سفید برای بودن با یکدیگر، در ازدواج دائم و موقت، خواندن صیغه لازم است.
- در صورتی که خواندن خطبه به زبان عربی فصیح مقدور نباشد و زوج و زوجه بنا به دلایلی نظیر حفظ آبرو نتوانند موضوع را با دیگری در میان بگذارند میتوانند به زبان مادری خطبه را جاری کنند.
- خطبه را به هر زبانی که بخوانند و معنای زوجتک، قبلت، را برسانند صحیح است. مثلاً برای ازدواج دائم به فارسی به زن بگوید: به عقد دائمی درآوردم خودم را برای شما در مقابل مهریه‌های که توافق کردیم و سپس مرد بگوید: قبول نمودم این عقد دائم را براساس مهریه‌های که توافق کردیم.
- اگر دختری با پسری بدون رضایت پدر و یا بدون اطلاع پدر همبستر شده باشد و اطلاعی از اینکه باید خطبه عقد خوانده شود نداشته و یا نمیدانسته رضایت پدر واجب است و عقدشان صحیح نیست.
- اگر صیغه جاری نشده باشد محرمیت ایجاد نشده، بنابراین باید جدا شوند البته اگر در چنین شرایطی پدر و جد پدری مصلحت دختر را در ازدواج مراعات نکنند اذن ایشان برای ازدواج جدید ساقط است.
- اگر مرد و زن ندانند که ازدواج بدون صیغه باطل است و با یکدیگر ازدواج کنند بچه‌های که از آنان به دنیا آمده، حلال زاده است و تمام احکام اولاد را دارا می‌باشد و اگر یکی از مرد و زن نداند که ازدواج باطل است، بین او و بچه‌های که به دنیا می‌آید تمام احکام اولاد جاری است، ولی دیگری که می‌دانسته ازدواج باطل است از بچه ارث نمی‌برد و بچه هم از وی ارث نمی‌برد ولی این دو به هم محرم اند و احکام محرمیت را دارا می‌باشند و ازدواج آنها با یکدیگر جایز نیست.
- دختری با پسری بدون رضایت پدر و یا بدون اطلاع پدر همبستر شده باشد و اطلاعی از اینکه باید خطبه عقد خوانده شود نداشته و یا نمیدانسته رضایت پدر واجب است و عقدشان صحیح نیست.
- اگر صیغه جاری نشده باشد محرمیت ایجاد نشده، بنابراین باید جدا شوند البته اگر در چنین شرایطی پدر و جد پدری مصلحت دختر را در ازدواج مراعات نکنند اذن ایشان برای ازدواج جدید ساقط است.
- اگر مرد و زن ندانند که ازدواج بدون صیغه باطل است و با یکدیگر ازدواج کنند بچه‌های که از آنان به دنیا آمده، حلال زاده است و تمام احکام اولاد را دارا می‌باشد و اگر یکی از مرد و زن نداند که ازدواج باطل است، بین او و بچه‌های که به دنیا می‌آید تمام احکام اولاد جاری است، ولی دیگری که می‌دانسته ازدواج باطل است از بچه ارث نمی‌برد و بچه هم از وی ارث نمی‌برد ولی این دو به هم محرم اند و احکام محرمیت را دارا می‌باشند و ازدواج آنها با یکدیگر جایز نیست.

نظریات آیت الله جعفر سبحانی:

- ازدواج سفید همان ازدواج معاطاتی است و شرعاً کافی نیست و باید اگر باکره است با اذن پدر عقد خوانده شود و مهریه معین شود. متأسفانه موضوعی که شبیه زنا رایگان است نام ازدواج به خود گرفته است.
- همانند زوجیت دائم و زوجیت موقت باید عقد خوانده شود و حد و حدود روشن شود.

- در عقد موقت در صورت اجتماع شرایط عقد فارسی کافی است؛ اگر زوج و زوجه نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند باید کسی را که میتواند وکیل کنند و اگر چنین شخصی نبود باید خودشان به غیر عربی بخوانند و باید لفظی بگویند که معنی زوجت و قبلت را بفهماند.
- در صورت جاری کردن خطبه به زبان مادری باید انشاء زوجیت شود و آنچه در رساله ها آمده است به فارسی خوانده شود.
- اگر شرایط دختر و پسری که بدون صیغه همبستر شدهاند به گونهای باشد که جدا شدن عوارض جدی برای شرایط فعلی و آینده طرفین یا یکی از طرفین داشته باشد و هر دو یا یکی از طرفین در عسرو حرج بیفتند و در این حال اطلاع به پدر نیز عوارض خطرناک داشته باشد، باید توجه داشت که بالاخره ازدواج این دو تا آخر نمی تواند برای پدر پنهان بماند و خواندن صیغه عقد مشکل را حل نخواهد کرد.

نظریات آیت الله مکارم شیرازی:

بدون شک رضایت قلبی برای عقد کافی نیست و چنین ارتباطی، ارتباط نامشروع و حرام است و به عقیده ما نام ازدواج بر آن صحیح نیست خواه سفید یا سیاه باشد.

ازدواج دختر باکره (موقت یا دائم) بدون کسب اجازه ولی دختر جایز نبوده و ازدواج باطل است و منظور از باکره دختری است که قبلاً با اجازه ولی شوهر نکرده است، خواه عضو بکارت موجود باشد، یا نه .

در صورت تیکه دختر و پسری قبلاً با جهل به لزوم خواندن عقد ازدواج و بدون اطلاع پدر دختر رابطه جنسی داشته اند برای حفظ آبرو میتوانند بدون اطلاع پدر دختر در حال حاضر خودشان عقد شرعی بخوانند و عقد بدون اذن ولی دختر صحیح نیست.

در زناشویی به هر صورت باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد میخوانند، یا دیگری را وکیل میکنند که از طرف آنان بخواند.

تفاوت نظام حقوقی ایران و غرب در مورد ازدواج سفید

در این نوع ازدواج در غرب فردی که خارج از قرارداد ازدواج والدینش به دنیا می آید از همه حقوق اجتماعی مثل دیگران برخوردار می شود. حتی برای بچه های زوج های همجنسگرا هم این حقوق یکسان است و هیچ تفاوتی وجود ندارد، هر چند باید گفت قوانین حقوقی همیشه هم به نفع این بچه ها نیستند. در حالیکه وقتی به ایران نگاه میکنیم میبینیم که همان بچه هایی که در چارچوب قانون هم به دنیا می آیند از حقوق اولیه شان محروم هستند و در چنین شرایطی فردی که فراتر از قانون جاری عمل میکند و با ازدواج سفید یک زندگی مشترک غیر رسمی را شروع میکند طبیعتاً تبعات گریزناپذیر و تلخی هم در انتظارش است. به جز اینکه بعد از اطلاع دستگاه قانونی دینی و جامعه سنتی، مجازات خواهد شد حتی اگر بچه ای هم به دنیا بیاورد و چه خواسته و چه ناخواسته نطفه ای تشکیل شود، دچار دردسرهای فراوان خواهد شد. (ارامکی و دیگران، همان: ۱۲)

از سویی دیگر باید گفت که در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج هایی به رسمیت شناخته می شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. (طاهری، ۱۳۸۴: ۳۵) در این نوع ازدواج ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون میتوان مسئله را پیگیری و حل کرد. اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب میشود. طبیعتاً وقتی قانون اصل این ازدواج را جرم میداند هیچ گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد میکند. در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج هایی به رسمیت شناخته می شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. در این نوع ازدواج ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون میتوان مسئله را پیگیری و حل کرد. اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب میشود. طبیعتاً وقتی قانون اصل این ازدواج را جرم میداند هیچ گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد میکند.

به موجب ماده ۲۰ و ۲۱ قانون حمایت از خانواده ثبت نکاح دائم و منقطع (در سه صورت) لازم است. ماده ۲۰ قانون حمایت از خانواده: ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است. ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده: نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است مورد حمایت قرار می دهد نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در موارد زیر الزامی است: باردار شدن زوجه، توافق طرفین، شرط ضمن عقد. بنابراین، نفس این رابطه بنابر تعریف آن زندگی مشترک بدون ثبت رسمی، مستند به ماده ۲۰ و ۲۱ قانون حمایت خانواده، خلاف قانون بوده و مورد حمایت قانونی نیست و در صورت اثبات در محاکم قانونی قابل پیگیری کیفری و حقوقی است. مطابق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، هرگاه زن و مردی که بین آن ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر زنا از قبیل تقبیل، یا مضاجعه شوند به مجازات شلاق تا نودونه ضربه محکوم خواهند شد و در ادامه این، تصریح نموده است که اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می شود. منظور از عمل منافی عفت غیر زنا، هر نوع رابطه جنسی که منجر به مواقعه نگردد می باشد و به عبارت بهتر رابطه جنسی مذکور حتماً باید فیزیکی و مادی باشد بنابراین غیر از این مورد چنانچه کسی اشاره ای از روی شهوت به دیگری ابراز کند مانند چشمک زدن و یا لبخند شهوانی و غیره، در این صورت مشمول این ماده نمی گردد.

مطابق ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی، زنا عبارت است از جماع مرد وزنی که علقه زوجیت بین آن ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد که مطابق ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی، طرفین مشمول حد زنا ۹۹ ضربه شلاق می شوند. از لحاظ حقوقی نیز طرفین مسئول جبران خسارت های مادی و معنوی تحمیل کرده به طرف مقابل هستند به دلیل این که قانون این همزیستی را به رسمیت نمی شناسد و طبیعتاً حقوقی برای آن قائل نیست و این رابطه خالی از حمایت قانونی است.

نکاح معاطاتی و ازدواج سفید:

نکاح معاطاتی در فقه و حقوق به معنای متفاوتی آمده است، یکی از معناهای مرسوم آن عدم اجرای صیغه ایجاب و قبول است. امام خمینی (ره) در تعریف نکاح معاطاتی میفرماید: اگر زن و مرد با هم گفتگو کردند، و قصد ازدواج کردند و زن با رفتن به خانه مرد به همراه جهیزیه، زوجیت را ایجاد کند و مرد نیز زوجیت را با تمکین زن در خانه اش قبول کند در این صورت ازدواج معاطاتی صورت گرفته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹). ازدواج سفید با نکاح معاطاتی انطباقی ندارد و شرایط ازدواج مانند طلاق، اذن پدر و عده، در آن ملاحظه نمی گردد و مهمتر از همه این موارد اینکه در هر عقدی قصد انسانها، از ارکان ضروری تشکیل دهنده آن است، اما در ازدواج سفید طرفین قصد زوجیت ندارند.

بررسی فقهی نکاح معاطاتی:

تقریباً هیچ فقیه صاحب نامی یافت نشده که طرفدار صحت نکاح معاطاتی باشد بنابراین نظریه صحت نکاح معاطاتی در فقه جایگاهی ندارد. در این مقوله نظر موافقان و مخالفان بررسی میگردد.

الف) مخالفان:

مخالفان ازدواج سفید به آیات قرآن و روایات استناد کرده و بیان می کنند که در قرآن کریم، راهکارهای جلوگیری از این ناهنجاری مطرح شده که می بایست به آن موارد بیش از پیش توجه شود و برای نسل نو و مسئولان پررنگ گردد. در آیه ۳۲ و البته باید مردان بیزن و زنان ب یشوهر و کنیزان و بندگان : سوره نور خداوند میفرماید شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورید . استفاده میکند با اینکه ازدواج یک « وَأُنكِحُوا » در این آیه خداوند از موضوع اختیاری و منوط به میل طرفین است، مفهوم آن برقراری مقدمات ازدواج است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲) آیت الله جوادی آملی میفرماید: زمانی شخصی ازدواج نمی کند و مشکل شخصی دارد که باید هدایتش کرد، زمانی جامعه ازدواج نمی کند که در راه انقراض اند، اگر یک جامعه اسلامی که پیرو قرآن و عترت است به ترک ازدواج به دلیل مشکل مالی یا جهات دیگر مبتلا شد، بر حاکم شرع واجب است که اینها را وادار به ازدواج کند و این دیگر امری فردی نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۴). مخالفان ازدواج سفید بر ترغیب به سادگی نکاح اذعان دارند و رواج یافتن جهیزیه و مهریه های سنگین را یکی از عوامل تمایل به ازدواج سفید میدانند، در روایت از امام صادق

(ع) بیان شده که روزی همراه همسر و فرزند است. پیامبر هم بر کم گرفتن مهریه سفارش فرمودند: بهترین مهریه، سبک ترین آنهاست.

این گروه باز بیان می کنند که تقوا یکی از اصول رفتاری، اخلاقی است که در قرآن کریم به آن توصیه شده که این موضوع در غریزه جنسی بیشتر نمایان میشود، امر به تقوا گزینی در غریزه جنسی مهمترین اصل رفتاری است که در آیه ۷۸ سوره هود به آن اشاره نموده است.

همچنین، مخالفان ازدواج سفید ذکر می کنند که مکتب اسلام برای کنترل سلامت امت و پیشگیری از فراهم شدن زمینه های فساد، حضور زنان را در اجتماع و هر محیط مختلط با شرایطی محقق می دانند که نتیجه آن جهت دهی صحیح به رابطه جنسی در مسیر ازدواج است که قرآن کریم در دو آیه ۳۳ سوره احزاب و آیه ۶۰ سوره نور تبرج زنان را ذکر و از آن نهی کرده است. برای اثبات بی اعتباری نکاح معاطاتی به اصول عملی نیز استناد شده است که اصل استصحاب و اصل احتیاط از این دو مورد است. مرحوم نراقی میفرماید: در نکاح، صیغه لازم است زیرا اصل آن است که بدون صیغه آثار زوجیت مترتب نمیشود. در اصل احتیاط ممکن است گفته شود نگاه بر خلاف سایر عقود است و از اهمیت خاصی برخوردار است. لزوم احتیاط در نکاح بر اهمیت مسئله ازدواج تاکید میکند که نکاح به گونه ای جاری شود که در درستی آن اطمینان باشد در حالی که در صحت نکاح معاطاتی اطمینانی وجود ندارد. بسیاری از اندیشمندان اجتماعی، مذهبی و سیاسی در جامعه اسلامی مخالف این مقوله هستند چون دارای پیامدهای منفی زیادی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی و مذهبی است.

ب) موافقان نکاح معاطاتی:

موافقان نکاح معاطاتی در اثبات نظر خود به آیات و روایات نیز استناد کردند یکی از مهمترین ادله صحت نکاح معاطاتی لزوم وفای به عهد و پیمان است که در قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره اسراء و در آیه ۱ سوره مائده به این موضوع اشاره شده است. طبق بیان در برخی کتب فقهی، معاطات در مطلق معاملات و عقود جریان دارد، اما مراد آن نیست که هر فعل یا اشارهای مظهر است، بلکه باید اسباب عقلایی مظهر صریح عقد باشند. بنابراین دلالت آیات لزوم وفای به عهد و عقد کامل است و اشکالی بر انطباق آن بر نکاح معاطاتی به نظر نمیرسد، مگر اینکه دلیلی برای استثنای عقد نکاح و اخراج آن از عموم و اطلاق آیات لزوم وفای به عهد وجود داشته باشد. موافقان صحت نکاح معاطاتی نیز به تعدادی از روایات موافق دیدگاه خود استناد کرده اند که میتوان از آنها بدین گونه نام برد: روایت نوح بن شعیب و روایت محمد بن اسماعیل بزیع، بیشتر فعالان اجتماعی غربی و آزادی طلبان بی بندوبار از طرفداران همخانگی هستند چون در این روابط معتقدند بدون قرار گرفتن در یک چارچوب حقوقی و مذهبی، بدون مسئولیت، به راحتی میتوانند شریک جنسی برای خود انتخاب کنند و بدون توجه به نیازهای عاطفی و دلگرمی قانونی برای طرف مقابل، فقط لذت میبرند و اگر شریک جنسی با شرایط مناسب تری هم یافت شد هیچ الزامی برای ماندن در رابطه خود احساس نمیکنند و راحتی و آرامش را در شهوترانی می یابند.

راهکارهای مقابله با ازدواج سفید:

دین اسلام بعنوان یک دین جامع و کامل در جهت حذف ازدواج سفید، بهترین و ایده آل ترین راهکار را ازدواج دائم میدانند که شرایط خاص و مشخص خود را دارد. اما در شرایطی که ازدواج دائم به دلایل معینی برای افراد مقدور نیست. اسلام بهترین راهکار دیگر مقابله با ازدواج سفید را ازدواج موقت قرار داده و آن را جایگزین مناسبی میدانند. ازدواج موقت در مقایسه با ازدواج دائم در بردارنده تعهدات کمتری است، اگر زن و مرد در شرایط خاصی به دلایل منطقی مایل باشند ضمن فراهم کردن امکان ارتباط جنسی مشروع از تعهدات ازدواج دائم شانه خالی کنند، ازدواج موقت راهگشا است. ازدواج در اسلام امری مقدس است که در آیات و روایات به آن اشاره شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب تر از ازدواج نیست.

ازدواج موقت یا مُتَعَه یا نکاح مُنْقَطِع یا عقد موقت نوعی ازدواج است که زن با قرائت صیغهای، خود را برای زمانی معین و محدود به ازدواج مرد در میآورد. واژه متعه اسمی برای بهره مند شدن و لذت بردن است. بهرههایی که همیشگی نبوده و به زودی پایان مییابد. در بیان دیگر، ازدواج موقت عبارت است از اینکه زن آزاد و کامل خود را به ازدواج مردی به مهریه معینی و تا زمان

مشخصی در آورد که بین این دو رضایت و اتفاق نظر وجود داشته باشد. در قرآن کریم، کتب حدیث و روایات، از عنوان متعه برای ازدواج موقت استفاده شده که در سوره نساء آیه ۲۴ و همچنین آیه ۸۷ سوره مائده بر مشروعیت ازدواج موقت دلالت دارد. نکاح متعه در زمان جاهلیت پیش از اسلام نیز مرسوم بود. اسلام بر بسیاری از رسمها و مقررات جاهلیت خط بطلان کشید ولی برخی از آنها را با گذاشتن ضوابط و مقرراتی اصلاح و تأیید کرد. نکاح متعه هم از رسمهای پیش از اسلام بوده که اصلاح و تصحیح گردید و آنها را در حوزه قوانین امضایی محسوب نمود و این آیه هم طبق محاورات عرفی آن زمان نازل گردیده است. در کتاب جاهلیت و اسلام درباره ازدواج موقت آمده است: ازدواج موقت در زمان جاهلیت چنین بود که عقد میان مرد و زن غیر باکره‌ای انجام میگرفت که به موجب آن، تا زمان معینی در مقابل بهره از زن پول معینی پرداخت میشد و چنین ازدواجی با سرآمدن زمانش پایان مییافت.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که فرآیند جهانی شدن در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی خود به تدریج و در طول سالیان اخیر زمینه‌های بروز انواع تغییرات اجتماعی را در حوزه خانواده در جامعه ایرانی ایجاد کرده است. تغییراتی چون افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، شکاف نسلی و همچنین افزایش ورود دختران به عرصه‌های دانشگاهی و محی کار و سپس تسهیل روابط دختر و پسر نتیجه این تحولات و فرآیندهای جامعه‌پذیری جهانی سبب شده است که روابط جنسی یکی از ازدواج و هم‌خانگی در ایران گسترش یابد. روابطی که به تدریج با افزایش یافتن، متکثر و متنوع نیز شده‌اند. تنوعی از تغییرات که هم‌خانگی نیز یکی از محصولات آن بوده است. به عبارتی، هم‌خانگی در ایران ظهور نکرد که وارد شد. الگویی از رابطه که ریشه‌های عمیق غربی دارد و محصول تغییرات الگوی خانواده در چند دهه گذشته در این کشورها بوده است.

ازدواج سفید نوعی از ازدواج است که بدون هیچ‌گونه تشریفات متعارف نکاح و صیغه‌ای انجام می‌گیرد و در نهادهای دولتی مربوطه یا سازمان‌های مربوطه به ثبت نمی‌رسد. امروزه چنین ازدواجی در غرب بسیار رایج است که زن و مرد بدون ازدواج مرسوم، همچون زن و شوهر با یکدیگر زندگی می‌کنند. چنین روشی در کشور ما نیز مرسوم گردید بدون این که پشتوانه حقوقی و قانونی وجود داشته باشد. حال عمده سوال اصلی این است که چنین ازدواجی در قانون مدنی ایران یا فقه امامیه مشروعیت دارد یا خیر؟ آیا در صورت بروز اختلاف هیچ‌گونه حمایت قانونی برای هر یک از دو طرف وجود دارد یا خیر؟ و سؤالاتی از این قبیل که پاسخ آن از اهداف اصلی تحقیق مزبور بوده و جنبه‌های مختلف مجهول آن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از کتب و منابع فقهی و حقوقی تدوین گردید و نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که ازدواج سفید اگر با قصد و اراده زناشویی باشد می‌توان آن را با ازدواج معاطاتی مطابق دانست که در مشروعیت آن بین فقیهان امامیه اختلاف نظر وجود دارد و صاحب‌نظران حقوق مدنی ایران نیز به تبعیت از نظریات فقیهان امامیه با تردید و اختلاف نظر بدان می‌نگرند. قانون مدنی ایران تاکنون نسبت به آن ورود ننموده و هیچ‌گونه حمایت قانونی از دو طرف نمی‌نماید. اما در صورت اختلاف و متضرر شدن یکی از طرفین از طریق قواعد دیگری مانند لاضرر و تسبیب و اتلاف ممکن است حمایت نماید.

نکاح، یکی از مهمترین عقود است که شخص در طول عمر خود آن را منعقد می‌نماید. انعقاد این قرارداد از آن جهت که ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی زن و همچنین نقشی که او در عقد نکاح و زندگی مشترک و خانواده ایفا می‌کند؛ مهمتر است. حال آنکه این ازدواج برای غربی‌ها رابطه‌ای خصوصی و شخصی است. ولی وقتی زن و مردی فقط به دلایل شخصی خودشان زیر یک سقف رفته و بدون ثبت رسمی و قانونی و حقوقی در کنار هم زندگی می‌کنند و به عبارت بهتر هم‌خانه می‌شوند به آن ارتباط ازدواج سفید گفته میشود. در حقیقت این ازدواج، زندگی مشترک میان زن و مرد، بدون انشاء صیغه عقد دائم یا موقت است که طرفین فارغ از مراسمات شرعی و عرفی، با رضایت و توافق، زندگی خود را در مکان مشترکی آغاز میکنند، اما هیچ‌کجا زوجیت آنها نه به طور شرعی و نه به صورت قانونی ثبت نخواهد شد. در واقع در این نوع ازدواج زن و شوهر علقه زوجیت را بجای لفظ با یک فعل ابراز می‌کنند، زیرا رضایت باطنی بر ازدواج، ایجاد زوجیت نمی‌کند. اکثر فقهای امامیه این بحث را در غالب عقود و معاملات صحیح می‌دانند، اما در باره عقد ازدواج، معاطات را باطل دانسته و بر لزوم لفظی

بودن ایجاب و قبول تاکید کرده اند. چرا که در ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی آمده است. ((نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحا دلالت بر قصد ازدواج نماید.)) یعنی به لحاظ حقوقی باید صیغه عقد ازدواج بیان شود و ایجاب و قبول لفظی باشد، مگر در حالت عجز از تلفظ، البته این به معنای سخت گیری در امر ازدواج نیست. لفظ وسایر شرایط من جمله جهیزیه، نفقه و... همگی نشان دهنده اهمیت و جایگاه نکاح و ازدواج است که نبایستی مورد تعرض و سواستفاده قرار گیرد، چرا که از سویی آنها وظیفه و تعهدی نسبت به یکدیگر نخواهند داشت و هر زمان که یکی از طرفین خواستار رهایی از این زندگی و جدایی باشد، زندگی مشترک آنها بدون اجرای صیغه طلاق شرعی و قانونی پایان یافته و از حق و حقوق پیش بینی شده در شرع و قانون (مهریه - نفقه - ارث و...) بهره مند نخواهند بود، که با توجه به دلایل فقهی و حقوقی و در راس آنها قرآن کریم باید این نوع ازدواج را باطل دانست.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

فرض الله قلی زاده کلان، ازدواج پیوندی مقدس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵،

آزاد ارمکی، تقی، محمدحسین شریفی ساعی، مریم ایناری، و سحر طالبی (۱۳۹۱) سنخ شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران " دوفصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی س ۲، ش ۲

سید علی محمد یثربی قمی، حقوق خانواده در قانون مدنی، چاپ آزاد، انتشارات آزادی

سرایبی، حسن، ۱۳۸۸، تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ش ۲.

سیدمهدی حسینی (بیرجندی) ۱۳۸۶، مشاوره در آستانه ازدواج، چاپ سوم. تهران، انتشارات قدس

علی مشکینی، ازدواج در اسلام، تهران، چاپ مهر، ۱۳۷۹

انتشارات در راه حق، ازدواج در اسلام، تهران، چاپ ۱۳۸۵،

سید مصطفی محقق داماد، تحلیل فقهی حقوق خانواده، چاپ پنجم، تهران، زمستان ۱۳۸۴

دکتر علی شریف، بررسی نفقه در حقوق ایران، چاپ اول، تهران انتشارات مهدی، سال ۷۴

دکتر محسن شفائی، ۱۳۸۹ متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن، تهران، چاپ نقش جهان،

حبیب الله طاهری، نکاح منقطع، جلد پنجم، قم، ۱۳۸۴.

دکتر کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، حقوق مدنی خانواده، جلد دوم، بازارچه کتاب،

پور فرهادی، پریسا، علل گسترش پدیده خانواده سفید در کلان شهر تهران در سال های ۹۳-۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد
گرایش حقوق جزا

قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۹۲

قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۹۱ منابع لاتین

Blossfeld, H. P. and A. Timm (eds.) (2003). *Who Marries Whom? Educational Systems as Marriage Markets in Modern Societies*, Dordrecht: Kluwer Academic.

Goodwin, P. Y. , W. D. Mosher, and A. Chandra (2010). 'Marriage and Cohabitation in the United States: A Statistical Portrait Based on Cycle 6 (2002) of the National Survey of Family

Pla, A. and C. Beaumel (2010). 'Bilan démographique 2009: Deux Pacs Pour Trois Mariages', Insee Première, No. 1276.

Levi Martin, J. (1996). 'Structuring the Sexual Revolution', *Theory and Society*, Vol. 25, No. 1.

Nazio, T. (2008). *Cohabitation, Family & Society*, London: Routledge.

Regnerus, M. and J. Uecker (2011). *Premarital Sex in America: How*

Young Americans Meet, Mate and Think About Marrying, Oxford: Oxford University Press.

Perelli-Harris, B. , W. Sigle-Rushton, M. Kreyenfeld, T. Lapp egård , R. Keizer , and C. Bergham (2011). 'The Educational Gradient of Childbearing Within Cohabitation in Europe', *Population and Development Review*, Vol. 36, No. 4.